

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

یکی از ابعادی که در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) باید مستقلاً مورد توجه قرار بگیرد بُعد اخلاقی ائمه ما است و این خود یک پژوهش مستقلاً را می‌طلبد. واقعاً اگر بعد اخلاقی زندگی ائمه معصومین را کاملاً بفهمیم و برای جامعه بشری تبیین کنیم موجب جذب بشر به این ذوات مقدسه می‌شود.

در ریشه‌یابی ابعاد اخلاقی ائمه انسان می‌فهمد که چگونه قرآن در تمام وجودشان جاری و ساری و وجودشان با توحید عجین بوده است. فقط مجرد یک مطلب اخلاقی معمولی نیست، بلکه حاکی از ریشه‌های بسیار عمیق و گسترده دینی و اعتقادی است که چنین ملکاتی را در آنها ایجاد کرده است.

به مناسبت میلاد امام مجتبی علیه السلام بعضی از ابعاد اخلاقی آن حضرت را عرض می‌کنم که امروز هم جامعه بشری و هم مسئولین و هم حوزه‌های علمیه نیاز شدید به این مطالب دارند و باید سعی کنیم در حد توان آن را در خود پیاده کنیم و لو امیر المؤمنین فرمود شما قدرت ندارید مثل ما باشید.

مردی خدمت امام مجتبی (ع) عرض کرد من را موعظه بفرمائید، حضرت فرمود «إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ» جهت منع و ردّ مسئله چاپلوسی و تملق که امروز جامعه ما گرفتار آن است حضرت می‌فرماید از مدح کردن من بپرهیز چرا که من خودم به نفس خود آگاه‌تر هستم. این یک ضابطه اخلاقی مهم است برای همه ما که به یک نحوی گرفتار آن هستیم. طبعاً انسان از یک کسی که او را مدح کند خوشش می‌آید و از کسی هم که عیب او را گوشزد کند بدش می‌آید. سپس حضرت فرمود «أَوْ تَكْذِبُنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا»، مبادا به من دروغ ببندید و مبادا پیش من غیبت احدی را بنمایید. آن فرد فهمید که امام از قصد و نیت او آگاه است. لذا عرض کرد پس اجازه بدهید من مرخص شوم.

در رفت و آمدهایی که افراد بین معاویه و امام می‌کردند، فردی از طرف معاویه خدمت امام (علیه السلام)، می‌رسد وقتی عظمت و ابهت امام را مشاهده می‌کند شروع به دعا کردن برای حضرت و نفرین نمودن معاویه می‌کند با آنکه خود از افراد معاویه بود.

امام به او فرمود اگر تو مرا به خاطر پیامبر خدا (ص) و پدر و مادرم می‌خواهی دوست داشته باشی و دعا کنی عیبی ندارد ولی الآن به عنوان فرستاده معاویه هستی، چرا خیانت در امانت می‌کنی؟ الآن او تو را امین خود قرار داده و پیش من فرستاده برای آنکه مطالبش را به من برسانی، اینکه الآن جلوی من او را نفرین می‌کنی این کار خیانت به او و خیانت در امانت است.

کجا انسان می‌تواند چنین ملکات اخلاقی را پیدا کند؟ بدون هیچ تردیدی معاویه دشمن صد در صد پیامبر اسلام و قرآن بوده است و کسی است که مورد نفرین شخص پیامبر واقع شده که فرمود «لَا أَشْبَعَ اللَّهُ بَطْنَهُ»، خدا شکمت را سیر نکند. اما وقتی پای مسئله پیغام رسانی و امانتداری می‌رسد امام حسن (ع) به پیکش می‌فرماید بدگوئی او را جلوی من نکن و نفرینش نکن، حرف

او را به من منتقل کن و برو.

من وقتی این قسمت از تاریخ را دیدم واقعاً تعجب کردم؛ که چطور یک انسان می‌تواند چنین عظمت اخلاقی داشته باشد؛ طبعاً اگر کسی علیه دشمن شخصی او حرفی بزند انسان خوشحال می‌شود چه برسد به اینکه این فرد دشمن اسلام باشد. اما وقتی پای مسئله امانت می‌رسد امام اینطور می‌فرمایند.

در یک نامه یا پیغامی امام به معاویه توصیه فرمودند «إياك و بغضنا فإن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: لا یبغضنا و لا یحسدنا أحد إلا زید عن الحوض يوم القيامة بسیاط من نار»؛ مراقب باش بغض ما در درونت نباشد چرا که جَدَم رسول خدا فرمود هر کس بغض یا حسادت ما اهل بیت در دلش باشد در روز قیامت او را «نه با سخن بلکه» با تازیانه‌هایی از آتش از حوض کوثر دور می‌کنند.

در روایت دیگری شخصی جوای احوال امام شد، حضرت فرمود: «أَصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي»، من صبح کردم در حالی که خدایی بالای سر من و مسلط و محیط بر من است «و النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي»؛ آتش جهنم هم پیش روی من است و مرگ هم هر لحظه دنبال من است. «و الْحِسَابُ مُحْدِقٌ بِي وَأَنَا مَرْتَهَنٌ بِعَمَلِي»؛ حساب هم من را احاطه کرده، یعنی نسبت به هر کاری که انجام می‌دهم و هر نگاهی که می‌کنم و هر حرفی که می‌زنم و هر لقمه‌ای که می‌خورم، باید روز قیامت جواب پس دهم. اینها درس برای ماست اگر ما هر روز این حدیث را با خود مرور کنیم چطور به خود اجازه می‌دهیم که زبانمان را به دشنام یکدیگر آلوده ساخته و باب افترا را به روی هم باز کنیم؟ چرا باید در بخش قلیلی از حوزه علمیه، ولو این قلیل یک نفر باشد، انسان ببیند فضای مجازی در اختیار او قرار گرفته و به راحتی به بزرگان حوزه به علما و اساتید تهمت‌های سیاسی و غیر سیاسی وارد می‌کند؟ آیا آیا این اخلاقی است که ائمه (ع) به ما یاد داده‌اند؟!

مردم وقتی ببینند که در حوزه ولو یک طلبه در فضای مجازی همینطور هر چه از زبان و قلمش برمی‌آید مطرح می‌کند، دیگر این حوزه را الگوی اخلاقی خود قرار نمی‌دهند، دیگر حرف من و شما را نمی‌پذیرند، متأسفانه این فضای آلوده پیدا شده و روز به روز هم زیاده‌تر می‌شود.

آقایان فضلا؛ ما باید در درجه اول الگوی اخلاقی برای جامعه باشیم، مگر می‌خواهیم چکار کنیم در این حوزه؟ خاک بر سر کسی که در این حوزه دنبال مقام و منصب باشد، تمام ارزش انسان خصوصاً یک طلبه این است که شعاعی از نور امام مجتبی (علیه السلام) در وجود او تبلور پیدا کند. امام مجتبی‌ای که به پیک معاویه اجازه نمی‌دهد در حضورش علیه معاویه نفرین کند می‌گوید تو الآن امین او هستی اما متأسفانه می‌بینیم در فضای مجازی انگشت اتهام به افراد می‌زنند. خب اگر اشکالی به افراد دارید نزدشان بروید و بگویید شما این اشکال را دارید، ببینید جوابی دارد یا نه؟

امروز باید در مورد زندگی تک‌تک ائمه از بُعد اخلاقی کتاب‌ها نوشته شود، هر کدام از آنها ظرایف و نکات خیلی جالبی دارند. امام راحل عظیم الشان ما تربیت شده‌ی ائمه معصومین است. یکی از چیزهایی که در تحکیم طلبگی من خیلی مؤثر بود کتاب چهل حدیث آن بزرگوار است. آدم وقتی کنار این کتاب می‌نشیند می‌بیند چقدر کلمات ائمه در وجود این مرد تزریق شده بود.

در همان اوایل انقلاب یکی از بزرگان گفت در خدمت امام (رضوان الله تعالی علیه) دو گروه از یکی از استان‌ها آمده بودند که با هم اختلاف داشتند، یکی از آن دو گفت علت مخالفت ما این است که اینها از شما تقلید نمی‌کنند و از فلان آقا در نجف تقلید می‌کنند! امام برآشفته و فرمود مگر تقلید از آن آقا چه اشکالی دارد؟ و دیگر حاضر نشد جلسه را ادامه بدهد!

از نکات دیگر زندگی اخلاقی امام مجتبی (علیه السلام) این است که حضرت فرمود: «عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ

فِي مَعْقُولِهِ»؛ تعجب است از کسی که نسبت به غذای جسمش که می‌خورد فکر می‌کند، اینکه سالم است یا نه، برای بدن او مضر هست یا نیست؟ اما نسبت به معقول خود فکر نمی‌کند؟ معقول یعنی چه؟ یعنی فکر کنی در ذهنت چه وارد می‌کنی؟ در نفست چه می‌گذرد؟ چه هواهای نفسانی انسان را احاطه کرده؟ چه کسی را می‌خواهد بالا ببرد و چه کسی را زمین بزند؟ چه چیزی انسان را گرفتار کرده، این مطلب بسیار مهمی است، درست است که انسان هنگام خواب باید محاسبه کند که آن روز چه کرده؟ ولی آنچه که دائماً باید فکر کند مراقبت از افکار و اعمالش است.

بر اساس روایت «دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ»؛ انسان باید دائماً در حالات خودش فکر کند، 30 سال 50 سال از من گذشت، من با این نفس خودم چه کردم؟ آیا بر اخلاق رذیله خود هر روز اضافه کردم؟ یا اینکه نه، الحمدلله فضائلش را اضافه کردم؟ اگر انسان واقعاً به فکر خودش باشد دیگر به اینکه چه کسی چه کار می‌کند یا چه کار نمی‌کند نمی‌پردازد. نسبت به حرف‌هایی که می‌خواهد بزند فکر نمی‌کند که درست است یا نه؟

اینطور نباید باشد که اگر فقط علیه من حرفی زدند ناراحت شوم، خود همین هم ضد اخلاق است، چطور می‌شود نسبت به کسی که مدرس و استاد حوزه است و انقلابی، می‌آیند او را آماج تهمت قرار می‌دهند؟ دنبال چه چیزی هستند؟ می‌خواهید حوزه را از بین ببرید؟! چنین حوزه‌ای را مردم نمی‌توانند قبول کنند.

خوش‌وقتانه این افراد بحمدالله در حوزه ما اقل و قليل هستند و وجهه عمومی حوزه ما مراجع و رهبری معظم انقلاب (دامت برکاتهم) هستند که الگوی مردم می‌باشند ولی وقتی مردم می‌بینند که یک عده‌ای از طلبه‌ها ولو در سال‌های اول تحصیل به جای ایجاد الفت در جامعه به دنبال ایجاد اختلاف در خود حوزه هستند نگران می‌شوند.

یک روز دو روز یک سال ده سال این حرف‌ها را بزنید، آخرش به کجا خواهید رسید چرا به فرمایش امام در معقول خود فکر نمی‌کنید؟ اولاً عزت دست خدای تبارک و تعالی است «تعز من تشاء و تذل من تشاء» به اراده این گروه و آن گروه نیست که کسی بالا برود یا پائین بیاید.

حضرت در ادامه می‌فرمایند: «فَيَجِبُ بَطْنُهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرِيدُهُ»؛ یک غذایی که انسان را اذیت کند نمی‌خورد اما نفس خود را با تمام آن رذائلی که در آن به وجود آورده و او را پیش خدا ساقط کرده رها می‌کند.

لیالی قدر نزدیک است و ان شاء الله خدا توفیق درکش را به ما بدهد، در این لیالی چکار می‌خواهیم با خود کنیم؟ ما باید خودمان را بسازیم، حوزه باید الگوی اخلاقی برای نظام اسلامی، برای مردم ایران و برای جامعه بشری باشد، از طلبه یک خلاف هم قابل قبول نیست اینکه امام راحل می‌فرمود «إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ»؛ همین است، خدای ناکرده خطای یک طلبه می‌تواند نسلی را به انحراف بکشاند و آنها را از دین دور کند.

توهم نشود که به شخص یا افرادی نظر داریم. خدا می‌داند اسم احدی در ذهنم نیست، در درجه اول باید این تذکرات را به خودم عرض کنم، خودم بیش از همه محتاج به این دستورات اخلاقی ائمه معصومین هستم، در درجه بعد هم دیگران. اگر بخواهیم حوزه روز به روز قوی‌تر شود باید در حوزه اخلاق حاکم باشد، شما حالات گذشتگان را ببینید، همین مراجع فعلی نسبت به اساتیدشان چه نحوه برخوردی داشتند؟ خود را عبد استادشان می‌دانستند. یادم هست قبل از پیروزی انقلاب بعضی از طلبه‌ها نسبت به برخی از مراجع انتقاداتی داشتند، امام از نجف پیغام دادند اگر طلبه‌ای اهانت به یک مرجع کند ولایت خدا از او قطع می‌شود. کسی هم که ولایت خدا از او قطع بشود داخل در ولایت شیطان می‌شود و عجیب این است؛ کسی که خدا ولایتش را از او قطع کند داخل در ولایت شیطان می‌شود و او بدتر از شیطان شده و به حدی می‌رسد که شیطان هم او را نمی‌پذیرد، مگر ما و شما نمی‌گوییم پیرو امام هستیم، این حرف امام است

احدي نمي گويد کسی اشکالی ندارد؛ بالأخره همه انسانيم و غير از ائمه (عليهم السلام) کسی معصوم نيست، غير از ائمه معصومين همه محل اشکالند، يك وقت در تلويزيون راجع به يکی از مراجعی که به رحمت خدا رفته، يك سخنران مي گفت ايشان از اول بلوغش تا آخر نه تنها گناه نکرده بلکه فکر گناه هم نکرده! اين حرف صد در صد غلط است. تو از کجا می دانی که اين آقا از اول بلوغ تا آخر عمرش فکر گناه هم نکرده! خود آن بزرگوار هم چنين ادعایی نداشت، اين پائين آوردن شأن ائمه ماست.

تنها گروهی که فکر گناه هم نمي کند ائمه معصومين (ع) هستند، تنها گروهی که ولو برای يك لحظه خطا و گناه نمي کنند همين نوات مقدس هستند و بس. عصمت منحصر به اينهاست، ائمه را پائين نياوريد. مي خواهيد يك کسی را بالا ببريد آنها را پائين می آوريد. وقتي همه ما در معرض اشکال هستيم به جاي تهمت و افترا زدن به افراد راه صحيح اين است که انسان اگر ديد کسی خطا می رود، يا دنبال کسب جاه و مقام است حضورش رسیده و به او تذکر بدهيد، بگوئيد مقام جيفه‌ی دنياست، دنبال دنيا نرو، ببينيد او جوابی دارد يا نه؟ ممکن است غافل باشد و تشکر هم بکند.

به نظرم مي رسد لازم است آقایان محققين اخلاق ائمه را، به شکل تحلیلی بسيار قشنگ جمع آوری کنند که هم حوزه از آن استفاده کند و هم جامعه بشری ان شاء الله.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين